برخورد: گفت‌وگوی احمد غلامی با علیرضا رجایی

تکوین دولت سرمایه‌داری در ایران؟

دولت بزشکیان در شرایط ویژه‌ای روی کار آمد. معمولا دولت‌هایی از این دست با بحران‌های ناخواسته‌ای روبه‌رو هستند و دولت چهاردهم نیز از این قاعده مستثنا نیست. خاصه اینکه مسعود پزشکیان با شعار «دولت وفاق» سعی دارد تمام طیف‌های سیاسی و فکری کشور را درگیر حل مسائل و مشکلات کشور کند. این رویکرد در گام‌های نخستین امید و دلگرمی بسیاری در میان سیاسیون به وجود آورد؛ امیدی که رفته‌رفته با گذشت زمان رنگ باخت و اکنون پیش از هر چیز موجب انتقاداتی شده که دامان دولت پزشکیان را گرفته است و آنان ناگزیرند برای مستقدان و مطالبه‌گران پاسخگو درخور فراهم کنند. در گفت‌وگو با علیرضا رجایی به بحث درباره دولت وفاق و مهم‌تر از آن دولت‌داری و نقش دولت‌های بعد از انقلاب پرداخته‌ایم. رجایی باور دارد دولت‌های جمهوری اسلامی هر یک لحظات خاصی از وضعیت کشور و حکومت را نمایندگی می‌کنند. او درباره دولت هاشمی، احمدی‌نژاد، خاتمی، روحانی و پزشکیان سخن گفته و ویژگی هر یک را به اختصار برمی‌شمارد.

یک سالی است که آقای پزشکیان پست ریاست‌جمهوری را تحویل گرفته‌اند. در این گفت‌وگو می‌خواهیم نگاهی به عملکرد دولت او داشته باشیم و بررسی کنیم که آیا این دولت در تحقق وعده‌هایی که داده موفق عمل کرده یا نه. اما پیش از پرداختن به این موضوع، به این دلیل که رشته شما علوم سیاسی بوده است و با مباحث مربوط به دولت‌ها آشنا هستید، می‌خواهم گفت‌وگو را با پرسش دیگری آغاز کنم. دولت آقای پزشکیان دولتی برخاسته از یک بحران است، اصولا چه مشکلاتی بر سر راه دولت‌هایی قرار دارد که برخاسته از بحران هستند؟

پرسشی که مطرح کردید خیلی مهم است و بحث مربوط به آن حوزه گسترده‌ای را در بر می‌گیرد. اولا دولت‌هایی که در وضعیت بحران هستند، بسیار احتمال دارد که دگرگیر مسائل کاملا متفاوتی بشوند؛ ازجمله ممکن است دگرگیر مسئله فاشیسم شوند. یعنی وضعیت بحرانی برای دولت به‌عنوان ساختار سیاسی، ممکن است به‌نوعی به فاشیسم تبدیل بشود مثل چیزی که در کشورهای غربی اتفاق افتاد. در عین حال فشارهای بحران ممکن است مسیر یک دولت را عوض کند. یعنی فشارهای اجتماعی ممکن است یک دولت را در زمینه مسائل دموکراتیک تا حدی تعدیل کند. بنابراین تحلیل ما نسبه به این است که دو مورد چه دولتی و چه سطحی را تحویل بحران می‌کنیم. در این مورد خاص یعنی در مورد بحرانی که در ایران اتفاق افتاده. این واقعیت وجود دارد که ما در لحظه از این بحران واکنش‌های متفاوتی دیده‌ایم. دولتی که پس از انقلاب در ایران برمی‌آید، حقیقت مشترک انقلاب‌های کلاسیک را دارد. نمونه‌های کلاسیک همه انقلاب‌ها، که انقلاب ایران شاید آخرین نمونه از نسل این نوع انقلاب‌ها بود، توأمان همیشه با بحران همراه است. نوع بحران‌ها، شکل سازمان سیاسی را در آن لحظه روشن می‌کند. با این مقدمه می‌توان به سراغ پرسش اصلی شما رفت و درباره دولت آقای پزشکیان صحبت کرد. هر لحظه از دولت‌های جمهوری اسلامی، با دو تشکیل تا الان. بیان لحظه‌ای از تکوین دولت‌های جمهوری اسلامی بوده است. یعنی سیر تکوین و شکل‌گیری جمهوری اسلامی با شکل دولت‌هایی که بر سر کار آمدند پیوند دارد و اینجا منظورم از دولت به معنای همان رباست‌جمهوری است. یعنی معنای اعم از دولت مدنظر است که آن کلیت حکومت جمهوری اسلامی است و یک معنای خاص از دولت هم می‌توان در نظر گرفت که همین دولت‌هایی هستند که در نتیجه انتخابات سر کار می‌آیند. من در این لحظه دارم درباره دولت‌هایی که در نتیجه انتخابات سر کار می‌آیند یا دولت مرحوم بازرگان که انتصابی بود، صحبت می‌کنم. هر کدام از این دولت‌ها از آغاز تا امروز بیان لحظه‌ای از جمهوری اسلامی بوده به تناسب بحران‌هایی که شما اشاره کردید.

اگر بخواهیم در مورد دولت آقای پزشکیان صحبت کنیم، این بحرانی‌بودنش چه تفاوتی با بحران دیگر دولت‌ها دارد؟ همان‌طور که اشاره کردید هر کدام از این دولت‌ها در لحظه‌های خاصی از جمهوری اسلامی روی کار آمده‌اند که این لحظه‌های خاص آنها را شکل داده است. اما شاید یکی از تفاوت‌های این دولت با دولت‌های قبلی این است که این بحران عینی است. اگر دولت‌های قبل با یک بحران درونی مسروکار داشتند، دولت آقای پزشکیان با یک بحران عینی روی کار آمده است؛ هایپوتیز آقای پزشکیان سرنگون شده و دولت تغییر کرده است. این چه تفاوتی با بحران‌های دولت‌های قبلی دارد؟ بالاخره دولت آقای خاتمی هم از دل یک فروبستگی شکل گرفت که می‌شود گفت شکلی از بحران اجتماعی بود که طی آن مردم آمدند و یک گشودگی ایجاد کردند.

دولت آقای خاتمی، دولت بحران دموکراسی در ایران بود و همچنان هم بحران دموکراسی در ایران هست. اگر بخواهیم از ابتدا در مورد دولت‌ها در ایران صحبت کنیم، بحث مفصلی است و بهتر است به دولت آقای روحانی محدود نشویم. البته بقیه دولت‌ها هم کاملا بحران‌های درونی داشتند که حالا شاید در اتنای بحث به‌عنوان مثال به آنها اشاره کنیم. چنان که من می‌فهمم یک سطح دولت آقای پزشکیان بحران است و یک سطح آن به طور خاص در چارچوب برای کلاسیک قابل تعریف است. دولت آقای پزشکیان تا حدی که مربوط به بخش غیرحرانی مسئله است، بیانی از مراحل تعلیقی تکوین دولت سرمایه‌داری در ایران است. یعنی اگر باخت دولت در ایران با به معنای ساختار حاکم سیاست در ایران در چارچوب سرمایه‌داری تعلیق‌شده باشد که در آن بود، نتیجه‌اش این است که در چارچوب دولت سرمایه‌داری تعلیق‌شکل‌گیری دولت در ایران است. به اعتقاد من دولت پزشکیان تلاش شکل‌گیری دولت را در ایران نتیجه‌اش این است که اتفاقا دولت آقای پزشکیان نخواست که بحران دولت را در ایران بیافت دولت سرمایه‌داری پس از انقلاب است. اگر با آن عبارت‌های معروف جامعه‌شناسی سیاسی، دولت را بیان بلوکی از طبقه حاکم در نظر بگیریم، باید بگویم که در جامعه‌شناسی سیاسی در همه دولت‌ها، طبقه حاکم به بخش‌های مختلف بورژوازی و سرمایه‌داری تقسیم می‌شوند و یکی از این بلوک‌ها، طبقه مسلط می‌شود که در مورد ایران به طور خاص، درباره لایه‌ای که اکدامیک از این طبقات طبقه مسلط است تا حد زیادی اتهام داریم. البته می‌توانیم توضیحاتی بدهیم که شاید الان محل بحث آن اینجا نباشد. اما تا جایی که به سؤال شما برمی‌گردد، من واهمه‌ام این است که من می‌فهمم، دولت آقای پزشکیان بیان تکوین دولت و شکل‌گیری مراحل شکل‌گیری دولت سرمایه‌داری در ایران است. به همین جهت تا جایی که ما سرانجام دایم جنبش‌های اجتماعی در ایران همیشه حاکی از تضادهای درونی در ایران بوده‌اند. این دولت با عنوان ایدئولوژیک وفاق ملی سعی می‌کند که تضادهای درون دولت را کاهش بدهد تا به همان میزان هم بازتاب‌های جنبش‌های اجتماعی که نتیجه شکاف‌های درون دولت است کاهش پیدا کند.

دولت آقای پزشکیان بیان تکوین نهایی و شکل‌گیری مراحل نهایی دولت سرمایه‌داری در ایران است. تا جایی که ما سراغ داریم جنبش‌های اجتماعی در ایران همیشه حاکی از تضادهای درون دولت در ایران بوده‌اند. این دولت با عنوان ایدئولوژیک وفاق ملی سعی می‌کند که تضادهای درون خودش را کاهش بدهد و به همان میزان هم بازتاب‌های جنبش‌های اجتماعی که نتیجه شکاف‌های درون دولت است کاهش پیدا کند

حتی‌الامکان کاهش دهد و به همان میزان هم بازتاب‌های جنبش‌های اجتماعی که نتیجه شکاف‌های درون دولت است کاهش پیدا کند. این اتفاق البته به طور ساختاری می‌افتد و غرضم این نیست که همه اینها لحظه به لحظه اندیشیده شده است. اما در مورد بحران‌های دولت می‌توانیم بگوییم که این بحران الان در دو سطح وجود دارد که یک سطح آن بحران‌های داخلی یعنی بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. سبک زندگی مدنظر در حال حاضر از طرف بخشی از جامعه به‌خصوص زنان مورد قبول قرار نگرفته است. از طرف دیگر، به قول خودشان دچار بحران ناترازی هستند که درواقع همان بحران اقتصادی، بحران منابع و بحران عدم تولید ثروت است. همه اینها دست به دست داده و در کنار اینها بحران خارجی و بحران امنیتی‌ای که بعد از هفتم اکتبر شکل گرفته نیز وجود دارد. مجموعا اگر بخواهیم دولت آقای پزشکیان را خلاصه کنم، در دو سطح قابل تعریف است: یک سطح آن تکوین نهایی دولت سرمایه‌داری در ایران است که نیاز به مبادلات وسیع‌تر بین‌المللی دارد. طبقه حاکمه‌ای که در ایران به‌ویژه در دولت احمدی‌نژاد شکل گرفت خیلی اهمیت دارد. یعنی مسئله‌ای که به اسم خصوصی‌سازی در ایران شروع شد، علی‌رغم آن چیزی که ابتدا حتی خود ما تصور می‌کردیم، یعنی بسیاری اندیشی در اتفاق هاشمی بود. من از ماهنامه یاد می‌کنم. این دو صورت خاص یعنی در مورد بحرانی که در ایران اتفاق افتاده. این واقعیت وجود دارد که ما در لحظه از این بحران واکنش‌های متفاوتی دیده‌ایم. دولتی که پس از انقلاب در ایران برمی‌آید، حقیقت مشترک انقلاب‌های کلاسیک را دارد. نمونه‌های کلاسیک همه انقلاب‌ها، که انقلاب ایران شاید آخرین نمونه از نسل این نوع انقلاب‌ها بود، توأمان همیشه با بحران همراه است. نوع بحران‌ها، شکل سازمان سیاسی را در آن لحظه روشن می‌کند. با این مقدمه می‌توان به سراغ پرسش اصلی شما رفت و درباره دولت آقای پزشکیان صحبت کرد. هر لحظه از دولت‌های جمهوری اسلامی، با دو تشکیل تا الان. بیان لحظه‌ای از تکوین دولت‌های جمهوری اسلامی بوده است. یعنی سیر تکوین و شکل‌گیری جمهوری اسلامی با شکل دولت‌هایی که بر سر کار آمدند پیوند دارد و اینجا منظورم از دولت به معنای همان رباست‌جمهوری است. یعنی معنای اعم از دولت مدنظر است که آن کلیت حکومت جمهوری اسلامی است و یک معنای خاص از دولت هم می‌توان در نظر گرفت که همین دولت‌هایی هستند که در نتیجه انتخابات سر کار می‌آیند. من در این لحظه دارم درباره دولت‌هایی که در نتیجه انتخابات سر کار می‌آیند یا دولت مرحوم بازرگان که انتصابی بود، صحبت می‌کنم. هر کدام از این دولت‌ها از آغاز تا امروز بیان لحظه‌ای از جمهوری اسلامی بوده به تناسب بحران‌هایی که شما اشاره کردید.

اگر بخواهیم در مورد دولت آقای پزشکیان صحبت کنیم، این بحرانی‌بودنش چه تفاوتی با بحران دیگر دولت‌ها دارد؟ همان‌طور که اشاره کردید هر کدام از این دولت‌ها در لحظه‌های خاصی از جمهوری اسلامی روی کار آمده‌اند که این لحظه‌های خاص آنها را شکل داده است. اما شاید یکی از تفاوت‌های این دولت با دولت‌های قبلی این است که این بحران عینی است. اگر دولت‌های قبل با یک بحران درونی مسروکار داشتند، دولت آقای پزشکیان با یک بحران عینی روی کار آمده است؛ هایپوتیز آقای پزشکیان سرنگون شده و دولت تغییر کرده است. این چه تفاوتی با بحران‌های دولت‌های قبلی دارد؟ بالاخره دولت آقای خاتمی هم از دل یک فروبستگی شکل گرفت که می‌شود گفت شکلی از بحران اجتماعی بود که طی آن مردم آمدند و یک گشودگی ایجاد کردند.

دولت آقای خاتمی، دولت بحران دموکراسی در ایران بود و همچنان هم بحران دموکراسی در ایران هست. اگر بخواهیم از ابتدا در مورد دولت‌ها در ایران صحبت کنیم، بحث مفصلی است و بهتر است به دولت آقای روحانی محدود نشویم. البته بقیه دولت‌ها هم کاملا بحران‌های درونی داشتند که حالا شاید در اتنای بحث به‌عنوان مثال به آنها اشاره کنیم. چنان که من می‌فهمم یک سطح دولت آقای پزشکیان بحران است و یک سطح آن به طور خاص در چارچوب برای کلاسیک قابل تعریف است. دولت آقای پزشکیان تا حدی که مربوط به بخش غیرحرانی مسئله است، بیانی از مراحل تعلیقی تکوین دولت سرمایه‌داری در ایران است. یعنی اگر باخت دولت در ایران با به معنای ساختار حاکم سیاست در ایران در چارچوب سرمایه‌داری تعلیق‌شده باشد که در آن بود، نتیجه‌اش این است که در چارچوب دولت سرمایه‌داری تعلیق‌شکل‌گیری دولت در ایران است. به اعتقاد من دولت پزشکیان تلاش شکل‌گیری دولت را در ایران نتیجه‌اش این است که اتفاقا دولت آقای پزشکیان نخواست که بحران دولت را در ایران بیافت دولت سرمایه‌داری پس از انقلاب است. اگر با آن عبارت‌های معروف جامعه‌شناسی سیاسی، دولت را بیان بلوکی از طبقه حاکم در نظر بگیریم، باید بگویم که در جامعه‌شناسی سیاسی در همه دولت‌ها، طبقه حاکم به بخش‌های مختلف بورژوازی و سرمایه‌داری تقسیم می‌شوند و یکی از این بلوک‌ها، طبقه مسلط می‌شود که در مورد ایران به طور خاص، درباره لایه‌ای که اکدامیک از این طبقات طبقه مسلط است تا حد زیادی اتهام داریم. البته می‌توانیم توضیحاتی بدهیم که شاید الان محل بحث آن اینجا نباشد. اما تا جایی که به سؤال شما برمی‌گردد، من واهمه‌ام این است که من می‌فهمم، دولت آقای پزشکیان بیان تکوین نهایی و شکل‌گیری مراحل نهایی دولت سرمایه‌داری در ایران است. به همین جهت تا جایی که ما سراغ داریم جنبش‌های اجتماعی در ایران همیشه حاکی از تضادهای درونی در ایران بوده‌اند. این دولت با عنوان ایدئولوژیک وفاق ملی سعی می‌کند که تضادهای درون خودش را

عکس: امیر جدیدی

آقای پزشکیان با دولت آقای روحانی در رفتن به سمت بازارهای جهانی چیست؟ بالاخره دولت آقای روحانی هم آمده بود که مذاکرات را به سرانجام برساند و تحریم‌ها را بردارد اما موفق نشد. چه تفاوت‌هایی بین این دولت‌ها وجود دارد؟

تفاوت آنها در نکته‌ای است که شما در ابتدا گفتید؛ بحران‌های سیاسی متفاوتی وجود داشته است. دولت آقای روحانی از یک بحران سیاسی آمده بود که آن بحران سیاسی حل نشده بود و هنوز هم حل نشده است. آقای روحانی بعد از دوره دوم احمدی‌نژاد آمد. یعنی زمانی که که درون نیروهای حامی احمدی‌نژاد در داخل حاکمیت اختلاف‌های اساسی پیش آمده بود. آنها با خودشان و با خود احمدی‌نژاد به مشکل خورده بودند و آقای روحانی از دل آن بحران سیاسی برآمد. چون این بحران حل نشده بود، او همچنان هدف برخوردها بود. یعنی آن مسئله‌ای که اشاره کردید درست است. ولی هنوز یک مسئله اساسی‌تر وجود داشت که در طول دوره انقلاب اتفاق افتاده است. یعنی بحران مسئله و سیاست دموکراتیک که هنوز هم حل نشده. به همین جهت اگر حر قوقیلی آقای روحانی به دست می‌آورد به عنوان توفیق جبهه دموکراسی‌خواه شناخته می‌شد که هم در داخل حاکمیت در ایران به شکل خورده بودند و هم به شکل کلیسایی در ایران. یعنی در دوره احمدی‌نژاد در داخل حاکمیت اختلاف‌های اساسی پیش آمده بود. آنها با خودشان و با خود احمدی‌نژاد به مشکل خورده بودند و آقای روحانی از دل آن بحران سیاسی برآمد. چون این بحران حل نشده بود، او همچنان هدف برخوردها بود. یعنی آن مسئله‌ای که اشاره کردید درست است. ولی هنوز یک مسئله اساسی‌تر وجود داشت که در طول دوره انقلاب اتفاق افتاده است. یعنی بحران مسئله و سیاست دموکراتیک که هنوز هم حل نشده. به همین جهت اگر حر قوقیلی آقای روحانی به دست می‌آورد به عنوان توفیق جبهه دموکراسی‌خواه شناخته می‌شد که هم در داخل حاکمیت در ایران و هم به شکل کلیسایی در ایران. یعنی در دوره احمدی‌نژاد آمد. یعنی زمانی که که درون نیروهای حامی